

تیموتی اس مورفی

# آنتونیو نگری: مدرنیته و انبوه خلق

فؤاد حبیبی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

## فهرست

- پیشگفتار مترجم اسپینوزای ما به سوی مواجهه‌ای راستین با نگرى ..... ۹
- سیاسگزارى ..... ۱۷
- فصل ۱: تونى نگرى کیست و چرا آن حرف‌هاى وحشتناک را درباره‌اش مى‌زنند؟ ..... ۱۹
- مبارز و استاد ..... ۲۰
- دو نوع مدرنیته ..... ۳۰
- اومانيسم پس از مرگ انسان ..... ۴۶
- فصل ۲: تبارشناسى انتقادى دولت مدرن - حرکت رو به عقب ..... ۵۷
- ایدئولوژى عقلانى دکارت ..... ۶۲
- کانت و فرماليست‌ها ..... ۷۹
- هگل و فراسو ..... ۱۰۰
- فصل ۳: ورکریسم مابین دولت و حزب ..... ۱۲۳
- ماتریکس و رکرىستى ..... ۱۲۸
- قدرت کارگران و خودآینى ..... ۱۴۳
- نگرى فراسوى مارکس؟ ..... ۱۸۱
- فصل ۴: از تنهائى به انبوه خلق ..... ۲۰۷
- نابهنجاری درون ماندگارى ..... ۲۰۹
- پوئیتیک در مقام هستى‌شناسى ..... ۲۳۳
- قدرت مؤسس ..... ۲۵۹
- فصل ۵: امپراتورى و ضد - امپراتورى ..... ۲۹۷
- از امپریالیسم به امپراتورى ..... ۳۰۶
- امپراتورى زیر آتش ..... ۳۳۷
- انبوه خلق و جمهور ..... ۳۵۷
- فصل ۶: سخن آخر: زمانى که مى‌آید ..... ۴۰۹
- پیوست: قدرت بر سازنده کار زنده: نگرى و پراتیک فلسفه جیسون رید ..... ۴۱۳
- بخش نخست: بخش ویرانگر (*pars destruens*) و بخش سازنده (*pars construens*) .. ۴۱۷
- بخش دوم: کار زنده ..... ۴۳۱
- نتیجه‌گیرى: یک پراتیک فلسفى نوین ..... ۴۴۶
- نمایه ..... ۴۵۹

## فصل ۱

### تونی نگری کیست و چرا آن حرف‌های وحشتناک را درباره‌اش می‌زنند؟

آنتونیونگری، فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی ایتالیایی، از دهه ۱۹۶۰ به سبب ایده‌ها و فعالیت‌هایش به تناوب مورد ستایش و ناسزا قرار گرفته است. برخی وی را در درجه نخست مبارزی می‌دانند که سویه شورشی سیاست مارکسیستی را علیه سازشکاری‌های انتخاباتی احزاب چپ رسمی موجود در ایتالیا جانی تازه بخشید. یک تهییج‌گر که توجیه و دفاعی را برای خشونت انقلابی فراهم کرد و، به قول مخالفانش، دلیل منطقی سر بسته‌ای را برای تروریسم. شماری دیگر مهم‌ترین آثار او را تحلیل فلسفی قدرت و سوپرکتیویته در مدرنیته و پست مدرنیته قلمداد می‌کنند، تحلیلی که پروبلماتیک پسا ساختارگرایانه‌ای را بسط می‌دهد که میشل فوکو، ژیل دلوز و فلیکس گتاری پیش کشیده‌اند. وانگهی، نگری نیز همانند اسلاف جنجالی خویش گاه به محروم کردن سوژه‌ها از عاملیتی متهم می‌شود که برای تحقق بخشی به دگرگونی‌هایی که از آنها پشتیبانی می‌کند، ضروری است. اگرچه هر دو چشم‌انداز مزبور حاوی حقایقی چند هستند، وقتی به مرتبه

شدن از بورس تحصیلی برای مطالعه در اکول نورمال سوپریور در پاریس، و دانشگاه‌های آکسفورد، توینگن و مونیخ شناخت دست‌اولی از تفکر معاصر فرانسوی، انگلیسی و آلمانی را برای وی فراهم ساخت. نگری زمانی که دوره دکترای خودش را در سال ۱۹۵۸ با رساله‌ای در باب تاریخی‌گری آلمانی و پیش‌نویسی از کتاب *دولت و حق نزد هگل جوان*<sup>۱</sup>، که در همان سال منتشر شد، به پایان رساند، پیشاپیش به مدت دو سال بر منصب استادی علوم سیاسی دانشگاه پادووا تکیه زده بود. حوزه تخصص وی «آموزه دولت» نام داشت، رشته‌ای ایتالیایی که تا حد بسیار زیادی متناظر با رشته فلسفه حقوق در دنیای انگلو-امریکن بود، رشته‌ای که به طرز کنایه‌آمیزی، با توجه به تعلقات مارکسیستی نگری، در زمان نفوذ فاشیسم تأسیس شده بود. نگری در سال ۱۹۵۹ کتابی راجع به تاریخی‌گری نزد ویلهلم دیلتای و فردریش ماینکه منتشر کرد، و در ادامه ترجمه‌ای را از نوشته‌های اولیه هگل درباره فلسفه حقوق و کتابی را درباره دانش حقوقی کانتی در سال ۱۹۶۲ به چاپ رساند. او در سال ۱۹۶۶ مدیر گروه رشته آموزه دولت شد و سال بعد به مقام ریاست انستیتوی علوم سیاسی دانشگاه رسید، یعنی درست در زمان خیزش اعتصاب‌ها، تظاهرات، و اشغال مکان‌های رسمی از سوی دانشجویان که طی دو سال آینده ایتالیا و کل جهان را درنوردید. نگری همچنین در طول دهه ۱۹۷۰ به استخدام مرکز ایتالیایی پژوهش‌های ملی درآمد و برای هدایت تحقیقات یا تدریس به دانشگاه آزاد برلین<sup>۲</sup>، دانشگاه فرایبورگ، دانشگاه پاریس و، از همه نام‌آورتر، به اکول نورمال سوپریور، به دعوت لویی آلتوسر، دعوت شد.

نگری، به موازات حرفه آکادمیک ممتاز خویش، با عناصر دگراندیش در جامعه ایتالیا به طور پیوسته در پیوند بوده است. او در سال ۱۹۵۸ به حزب

پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک انتزاعی تنزل می‌یابند، در نهایت به چشم‌اندازهایی مانع‌الجمع بدل می‌شوند. اما پارادوکسی که کنار هم قرار دادن آنها باعث می‌شود آموزنده است. چه بسا تغییری در چشم‌انداز بتواند به ما در سوا کردن حقایق از داعیه‌های کاذب و مشاهده و درک روشن‌تر نگری، در امتداد طیف کاملی از دستاوردهای فکری و عملی‌اش، یاری برساند. برای نیل به این مهم باید آغوش خود را به روی تناقض، آنتاگونیسم و پارادوکس بگشاییم، همانند خود نگری در سرتاسر حیات پرآشوبش.<sup>(۱)</sup>

### مبارز و استاد

آنتونیونگری — که نزد رفقاییش معروف به «تونی» است — به تاریخ اول اوت ۱۹۳۳ در شهر پادووا ایتالیا چشم به جهان گشود، یک دژ سنتی جناح راست که او بعدها در همان جا به دانشگاه رفت و برای بیش از دو دهه در دانشگاه مزبور به تدریس پرداخت. فاشیست‌ها در سال ۱۹۳۶ پدر نگری را، که به تأسیس حزب کمونیست در بولونیا کمک کرده بود، به قتل رساندند و برادر بزرگ‌ترش نیز در جریان عملیاتی به سال ۱۹۴۳ کشته شد. او را مادرش که معلم مقطع ابتدایی بود و شوهر خواهر بزرگ‌ترش که یک پارتیزان کمونیست اهل ترنتو بود بزرگ کردند. نگری پس از جنگ برای مطالعه فلسفه به دانشگاه پادووا پا گذاشت؛ او، به موجب نبوغ فکری‌اش، به سرعت در مقام سردبیر نشریه دانشگاه با نام رفیق (*II BO*) و همچنین سرپرست دانشجویی گروه عمل جوانان کاتولیک ایتالیایی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرد، جایی که با اومبرتو آکو، جیانی و ایتیمو و دیگر روشنفکران جوان کاتولیک چپ آشنا شد. در خلال سال دوم دانشگاه مدتی را در یکی از کمیته‌های اسرائیلی (اجتماعات روستایی [اشتراکی])، به سربرد و تجربه دست‌اولی از سازماندهی و کار گروهی به دست آورد، و پس از آن گروه عمل (*GIAC*) را ترک گفت. بهره‌مند

1. *Stato e dritto nel giovane Hegel*  
2. *Freie Universität Berlin*

1. *GIAC: Gioventù Italiana Azione Cattolica*

تحلیل‌های مستقیماً سیاسی تر تغییر مسیر یافت. این تغییر در ابتدا خودش را در هیئت انجام تحلیل‌هایی برای گروه‌های مستقل کوچکی در میان جنبش کارگری نشان داد و هدف از آن شناسایی الگوهای ابداعی مبارزه کارگری بود. نگری در همین اثنا تعداد معدودی کتب دانش‌پژوهانه نیز منتشر ساخت، از جمله دکارت سیاسی (Negri 1970b)، تا موقعیتش را در دانشگاه حفظ کند. با وجود این، بخش زیادی از انرژی وی صرف فعالیت سیاسی مستقیم می‌شد.

تجارب سیاسی اولیه نگری بر کارخانه‌های بزرگی همچون پورتومارگرا و فیات در میرافیوری<sup>۱</sup> (که ده‌ها هزار تن از کارگران را در آن زمان در استخدام خود داشت) متمرکز بود، و نخستین سازمان بزرگی که وی، در سال ۱۹۶۹، به تأسیس آن یاری رساند، قدرت کارگران<sup>۲</sup>، [دقیقاً] انعکاس دهنده این نظرگاه [تمرکز بر کارخانه‌های بزرگ] است. [هرچند] پوتره/اوپرایو همانند دیگر گروه‌های مشابه قرار گرفته در سمت چپ حزب کمونیست ایتالیا (PCI) – فی‌المثل، *Lotta Continua* یا *Avanguardia Operaia* – معرف گسستی از سنت اتحادیه‌ای مرکزگرا و حزب‌محور سازماندهی سیاسی پرولتری بود، با این حال [ترکیب اعضای گروه] از تداوم برتری دادن به کارگر مرد دگرجنس خواه خط مونتاز در مقام سوژه فعالیت انقلابی از سوی سنت مزبور نیز خبر می‌داد. پوتره/اوپرایو به موجب اختلافات درونی – همچنین در پی مورد انتقاد قرار گرفتن جانبداری مذکور از سوی فمینیسم در حال خیزش ایتالیایی و جنبش‌های ضد جنگ – به‌طور رسمی خودش را در سال ۱۹۷۳ منحل ساخت. به محض فروپاشی پوتره/اوپرایو (*Potop*)، مجموعه پراکنده و مرکززدوده‌ای از جنبش‌های مترقی که/اتونومیا (*Autonomia*)، یا خودآئین، خوانده شدند نقش [و جایگاه] تهییج‌گران را به ارث بردند. نگری از این

سوسیالیست ایتالیا پیوست و به لحاظ فکری و سازمانی در حلقه‌های حزبی به فعالیت پرداخت، جایی که در مقام مشاوره محلی ایفای نقش می‌کرد و به‌طور منظم برای نشریه سوسیالیستی *Progresso Veneto* مطلب می‌نوشت. او در دهه‌های شصت و هفتاد به تأسیس و اداره چهار نشریه کلیدی چپ فرایارلمانی یاری رساند – یادداشت‌های سرخ (*Quaderni rossi*، ۱۹۶۰-۱۹۶۱)، طبقه کارگر (*Classe operaia*، ۱۹۶۳-۱۹۶۶)، برنامه متقابل (*Contropiano*، ۱۹۶۷-۱۹۶۸)، و سرخ (*Rosso*، ۱۹۷۳-۱۹۷۹) – نشریاتی که بسیاری از مهم‌ترین متفکران ایتالیایی را گرد هم می‌آورد، از جمله ماسیمو کاجیاری<sup>۳</sup>، رانی‌یه‌روپانزی‌یه‌ری<sup>۴</sup>، ماریوترونتی<sup>۵</sup>، و مانفردو تافوری<sup>۶</sup>. نگری در سال ۱۹۶۳ همراه با همسرش پائولا مئو<sup>۷</sup> و ماسیمو کاجیاری (که بعداً در مقام یک چپگرا بر مسند شهرداری شهر ونیز تکیه زد) یک گروه مطالعاتی از کارگران کارخانه پورتومارگرا<sup>۸</sup> – بزرگ‌ترین مجموعه پتروشیمی در ایتالیا، در مجاورت شهر ونیز – را حول مطالعه سرمایه سازماندهی کرد. نگری و خانواده‌اش (از جمله دختری که در ۱۹۶۴ به دنیا آمد و پسری که در ۱۹۶۷ متولد شد) در ونیز زندگی می‌کردند، که این امر به وی اجازه می‌داد تا آزادانه میان محیط فرهنگی پر جنب و جوش شهر، دنیای آکادمیک دانشگاه پادووا، که فقط پنجاه کیلومتر با محل سکونتش فاصله داشت، و محیط صنعتی کارخانه پورتومارگرا در رفت و آمد باشد. پس از اینکه پانزی‌یه‌ری در دوران کار در نشریه یادداشت‌های سرخ او را به مطالعه آثار مارکس ترغیب کرد، پژوهش‌های نگری از مطالعات علمی در حوزه فلسفه حقوق، که شغل دانشگاهی‌اش بر آن استوار بود، به سوی مداخلات و

1. Massimo Cacciari
2. Ranieri Panzieri
3. Mario Tronti
4. Manfredo Tafuri
5. Paola Meo
6. Proto Marghera

1. Mirafiori  
2. Potere Operaio: "Potop"